

حوزه علمیه قم بایگناه علم و فضیلت و سنگر مبارزه و جهاد

« بزرگسودی از قم مردم را به حق و آزادی دعوت می کند »
« و مردم مصمم و با اراده با عزمی آهنین و نیرومند دعوت او را »
« می پذیرند و دور او را می گیرند . افرادی که هرگز از حوادث »
« و ناملایمات نمی هراسند و از مبارزه و تلاش خسته نمی شوند . »
« تنها امید و تکیه گاه آنان خداست و پیروزی نهائی و موفقیت »
« از آن مردم پرهیزگار و باتقوی راه خداست »

(امام ششم «ع»)

« ... خداوند متعال با شهر قم و مردم آن با دیگر شهرها »
« احتجاج می کند و در عصر غیبت روزی فرا می رسد که قم و مردم »
« آن حجت دیگر شهرها قرار می گیرند . شهر کوله از شیعہ »
« و دوستان اهل بیت (ع) خالی می گردد و علم و دانش »
« از آن شهر رخت برمی بندد ولی شهر قم مرکز علم و دانش »
« می شود و از آن سرزمین علم و دانش به دیگر مناطق جهان »
« منتشر می گردد »

« امام هفتم (ع) »

این دو سخن آنهم به صورت پیشگوئی شگرفی به این حد از روشنی و آشکاری
از دو شخصیت برتر دو شخصیت عالی الهی و دو پیشوای معصوم شیعیان امام ششم و

امام هفتم است که در صفحات ۴۴۵ و ۴۴۶ سفینه البحار (جلد ۲) آمده و امروز بدست ما رسیده است. برای مومنان دل انگیز و روح پرور و برای نابوران و شکاکان حیرت آور و منکوب کننده است که امام ششم بنیان گذار مذهب و رئیس مذهب جعفری و امام هفتم فرزند آن بزرگوار قریب یک هزار و دویست سال پیش بدینگونه روشن و تردیدناپذیر بی هیچ جای تردید و چون و چرا موقعیت امروز قم را پیشگوئی کرده اند و قیام مردی از دیار اسلام را به جهان و جهانیان بشارت داده اند.

و امروز همه اسلام و همه کفر که در جنگی نابرابر رودر روی یکدیگر ایستاده اند به روشنی همه می بینند که آن نوید ملکوتی و آن وعده آسمانی جامه تحقق پوشیده است و شهر قم در این زمان نه تنها منزلگاه قیام راستین ملت ایران قلمرو دین و دانش و اندیشه های خلاق قرار گرفته بلکه بصورت سنگر مبارزه با جهل و فساد پایگاه شرف و فضیلت و محور همه حرکت های بشری و اسلامی در آمده است.

امروز همه اسلام می بیند و روح تازه می گیرد و همه کفر می بیند و بر خور می لرزد که یک هزار و دویست سال پس از آن نوید ملکوتی، بزرگمردی روحانی و الهی چون حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدراست کرده و چنان که امام ششم (علیه السلام) فرموده بود مردم را به حق و آزادی دعوت کرده و مردم با عزمی آهنین دعوت او را پذیرفته اند.

امروز همه جهان می بیند که ندای حق طلبانه آن ابر مرد روحانی زیر این گنبد میثاقی طنین افکنده و به تمامی مسلمانان جهان و حتی به تمامی مستضعفان غیر مسلمان دنیای پراز ظلم و ستم ما حرکتی هیجان انگیز و زندگی بخش داده است و چنان که دوامد بزرگوار فرموده بودند قم را نه تنها چشم و چراغ ملت ایران بلکه ملجاء امیدها و آرزوهای عمده مسلمانان و همه مستضعفان جهان قرار داده است.

قم شهر فاطمه معصومه (ع)

در این مقطع زمانی نگاه کوتاه دیگری به شهر قم بیندازیم. این شهر پر برکت از زمانی به صورت مرکز اندیشه های والای انسانی و حرکت های اسلامی در آمد و به رونق شایسته و سزاوار خود رسید که مرقد مطهر شخصیت والای اسلام بانوی عقیق و پالک گوهر و دانشمند فاطمه معصومه (ع) به آن شرف و فضیلت بخشید. از این تاریخ بود که شهر کوچک قم مرحلهئی تازه و تاریخی و تاریخ ساز را در میان خود آغاز کرد.

برکت وجودی آن بانوی بزرگوار شهر قم را ملجاء امن سرسپردگان خاندان عصمت

و طهارت و مرکز توجه شخصیت‌های برجسته اسلامی قرار داد. از آن تاریخ دانشمندان اسلامی، اسلام‌شناسان برجسته و شیفتگان خاندان پیامبر اسلام و علی (ع) بسوی این دیار جذب و جلب شدند و بدینگونه در جوار مدن این بانوی عالیقدر اسلام رحل اقامت افکندند و به تدریج حوزه‌های مهم و توجه‌انگیزی برای نشر افکار اسلامی در شهر قم به وجود آمد و در هسته اصلی این شهر حوزه‌های علمیه معتبری ایجاد شد که هر روز ارزش و اعتباری افزون‌تر یافت و محدثین، فقها، متکلمین، اندیشمندان خدمتگزار علم و معنویت مراجع عالیقدر و اندیشمندان گرانمایه به جامعه اسلامی تحویل داد که هر کدام در تاریخ مبارزات فکری اسلامی جایگاه شایسته‌ای برای خود کسب کردند.

تأسیس حوزه علمیه:

حوزه علمیه قم - که تأسیس آن بصورت امروزی آن به دست توانای عالم ربانی حضرت آیت‌الله العظمی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی صورت گرفت در شصت سال اخیر به صورت سرنوشت سازترین و نیرومندترین نهادهای فکری و علمی کشور ایران و جهان اسلام تجلی کرده است.

از این رو و با توجه به مسؤلیت‌های سنگینی که حوزه علمیه قم در تاریخ مبارزات سیاسی، اجتماعی و اسلامی در شصت سال اخیر در ایران و مهدی کشورهای اسلامی جهان بعهده داشته است بر آن شدیم تا در این سلسله مقالات تحلیلی و تاریخی سرگذشت پرفراز و نشیب و مبارزات پرچمداران و بزرگان این حوزه علمیه را بازگوئی و بازنگاری کنیم. باشد که در این تحقیق و بررسی بسیاری از مسائلی که برای تاریخ نگاران و پژوهشگران مبارزاتی جامعه انقلابی ما در شب یلدای تاریکی و ابهام‌بالی مانده است روشن و آشکار گردد. و این تحقیق با مهدی بی‌ادعائی نروتنانه خود بتواند پایه و اساس تحقیقات دیگری قرار گیرد و در حد خود نشان دهد که چگونه در این جهان پر آشوب و در این ورطه هولناکی که دنیا را در بر گرفته است مال مسلمان چگونه توانسته اند با تکیه بر موازین جهان‌شمول اسلامی همه فرعونیان را درهم بشکنند و بساط آنان را درهم ریزند.

منشور انسانی و انقلابی حوزه علمیه قم

آیت‌الله طالقانی یکی از نمونه‌های جهاد و تقوی و فضیلت و یکی از تربیت یافتگان حوزه قم، مردی که تا آخرین لحظه‌های زندگی برای اسلام و انسان و شرف و حیثیت انسانی اندیشید و مبارزه کرد درباره قم سخنالی دارد.

اینک يك لحظه در خوبش خویشتن فرورویم و باخویشت خلوت کنیم تا بار دیگر صدای

کره و سخن شورانگیز او را به یاد آوریم که می گفت .

«شهر قم شهر قیام اصیل اسلامی و انسانی شهر مکتب اهل بیت شهری که منشاء تحولات و تطورات در دیگر شهرهای ایران بوده است . قم مهد پرورش صدوقها محدثین و دانشمندان و فیلسوفان ملامتدراها و حابریها است . تانوبت به قیام شیخ محمد تقی یزدی اباذر زمان می رسد این در و دیوار و این صحن دوم خاطرات پنجاه ساله من است هم اینکه دارد آگه می کند ، قلبم را می فشارد و ندای غیبی زیر گوشم می خواند . شما نمی دانید در و دیوار قم چقدر برای من الهام بخش است . اینک فریاد اعتراض و صدای بلندوباز شیخ محمد تقی یزدی توی همین صحن نگاه کنید . توی همین صحن زیر تازیانه مرگبار رضاخان بگوش جان می رسد چکمه پوشان رضاخانی که باتوپ و تانک باین مرقد مطهر حمله کردند مانند در میانشان بودیم کتک خوردیم سرنیزه خوردیم ایستادیم مبارزه کردیم .

راستی رضاخان چه چیزی را می خواست بگوید ؟ آیه الله طالقانی در ادامه سخنان خود می گوید . بعد از یک سال این پیرمرد ابوذر زمان این شخصی که بانان خشک تغذیه می کرد بعد از یکسال از زندان بیرون آمد و به حضرت عبدالعظیم تبعید شد من به دیدنش رفتم . باز و هایش را نشان داد . هنوز جای تازیانه مشهود بود و دیده میشد ... »

آری آیت الله طالقانی بدینگونه از شهر قم و از مردان مبارزی که در این شهر علم مبارزه برافراشتند سخن می گفت و یاد می کرد .

و اکنون می خواهیم از شهری که آیه الله طالقانی آنرا شهر قیام اصیل اسلامی و انسانی می نامید سخن بگوئیم . و از حوزه علمیه آن که در دوران سیاه حکومت پهلوی انق روشن امیدها و آرزوها را پیش چشم مردم ستم دیده ایران باز و آشکار می کرد . حوزه علمیه قم چنانکه گفته شد از زمان مهاجرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبد -

الکریم حائری جان تازهئی گرفت و دوران حیات پر شکوه امروز خود را آغاز کرد و وجود آن روحانی بزرگ شمع محفل مردان علم و فضیلت و مقرا و هسته مرکزی جمع ارباب فضل و دانش بود . آن مرد خدامرد علم و جهاد در مکتب انسان ساز خود شاگردانی فاضل و صاحب کمال پرورش داد که در آن روزهای خفقان در آن روزهای دشمنی با اسلام و دانش و اندیشه در آن روزهایی که چکمه های رضاخان در پای خود او و دیگر سر سپردگان حکومت های خارجی می خواست هر چه را که وابسته به دین و شرف انسانی است لگد کوب خود سازد آن مرد بزرگ باشکوه و کمال و توانائی در مرقع خود ایستاد و هر روز جمع شاگردانش را پیوسته تر و متحدتر ساخت و هم در آن زمان بود که تعداد شاگردان او به شصت تن بالغ

شد. ششصد مردفاضل و مبارز که در برابر توطئه های جهانخواران و ظلم و جور حکومت رضاخانی ایستادند و دین خود را با دنیا عوض نکردند که رهبر عالیقدر انقلاب و دیگر مراجع عالیقدر تقلیدکنونی و دیگر اساتید و اساتین فقه و فقاہت برخاسته اند که هر يك مشعل معتدل افروز مجامع اسلامی بوده اند و هستند. چرا که آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در آن زمان همه سازندگان فکری و مکتب را پیرامون شمع وجود خود گرد آورده و شهر قم را مرکز نشر اندیشه های اسلامی در تمام بلاد ایران گردانیده بود.

در حقیقت از زمان الامت ایشان در شهر قم بود که این شهر قیام و انقلاب به صورت بنیاد علمی و معنوی جهان اسلام و مقر مراجع عالیقدر و رهبران عظیم الشان فکری و اجتماعی قرار گرفت و پایگاهی شد که تحریک و هوپوایی را از مکتب علوی و ثبات و تفحص و دقت در مسائل اسلامی را از فقه پر بار جعفری به ارث و یادگار برده است.

* * *

نباید هیچگونه تعدی و تجاوز باشد حتی در مقابل دشمن هم باید عدل و قسط رعایت گردد. در این مورد دستور های موکد و مفصلی هست که احتیاج به بحث جداگانه ای دارد.

در هر حال اسلام اینگونه دستور داده که نگذارید توطئه گران نقشه های شوم خود را پیاده بکنند.

خلاصه آنکه اسلام، با آن همه احترامی که به آزادی عقیده قائل است در مواردی که پای توطئه و فتنه انگیزی در کار باشد، با کمال قدرت و نیرومندی به جهاد مبارزه دستور میدهد و سکوت را جایز نمی شمارد.

بنده از صفحه ۳۱

حمدانہ علی حجۃ و ترککم ایاهم
حجۃ اخری لکم» (۱)

حمله به آنها نکنید تا آنها حمله کنند زیرا شما پیرو حق هستید و بر آنان حجت و دلیل دارید و آغاز به جنگ کردن، خود دلیل و حجت دیگری است بر حقانیت شما.

۳- با جمله «لا تعدوا» از حد تجاوز نکنید. ابعاد جنگ مشخص شده است، که چون در اسلام پیکار نمودن برای خدا و دزراه خدا است و در راه خدا

(۱) نهج البلاغه

کار و کوشش

همچو مردان ضعف و سستی را بنده
مرد کاری، روزش از هر روز به

تن به کار و کوشش مردانه ده
کاهلان را تیره باشد روزگار